

مجله موسیقی

شماره دوم

اردیبهشت ماه ۱۳۱۹

سال دوم



آوازه‌های قدیمی ایران

از ژنو

بقلم آقای جمال زاده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظامی در منظومه « خسرو و شیرین » مکرر آن « باربد » و « نکبسا » سخن رانده است . مستشرق مشهور دانمارکی پروفیسور کریس تن سن در باب شخصیت این دو تن تحقیقات عالمانه ای نموده که نقداً از ذکر آن در اینجا صرف نظر میشود . فعلا مقصود در این مقاله ، آوردن قطعه ایست که در منظومه نامبرده در زیر عنوان « گفتار اندر صفت باربد و بخشش خسرو » در « خمسۀ نظامی » معروف است و در طی آن نام یکدسته از آوازه‌های قدیم ایران مذکور گردیده است .

قسمت اول آن قطعه از این قرار است (نامهای آوازه‌ها و ادوات موسیقی در بین علامت جفت هلالی نوشته شده است)

- ۱- ملك چون شد زنوش ساقیان مست
- ۲- طلب فرمود کردن باربد ار
- ۳- در آمد باربد چون بلبل مست
- ۴- «ستار» (۲) باربد آواز در داد
- ۵- ز صد دستان که او را بود دمساز
- ۶- ز خوش لحنی در آن سی ساز چون نوش
- ۷- بربط چون سر از زخمه بر آورد
- ۸- چو یاد از «کنج باد آورد» راندی
- ۹- ز «کنج ساخته» چون ساختی راه
- ۱۰- چو «کنج گاو ران» کردی نواسنج
- ۱۱- چو «شاد روان مروارید» گفتی
- ۱۲- چو «تخت طاقدیسی» ساز کردی
- ۱۳- چو «ناقوسی» بر «اورنگ» آمدی باز
- ۱۴- چو قند از «حقه کاوس» دادی
- ۱۵- چو لحن از «ماه بر کوهان» کشادی
- ۱۶- چو بر گفتی نوای «مشک دانه» *مشک دانه و مطالبت* ختن گشتی زبوی مشک* خانه
- ۱۷- چو بر پرده کشیدی «ساز نوردان» *علوم انسانی و مطالبت* بنوردوزی نشستی دولت اندوز
- ۱۸- چو نو کردی نوای «مهرگانی» *علوم انسانی و مطالبت* پردی هوش خلق از مهربانی

(۱) بعضی از لغویون دیبی ایران عقیده دارند که این آلت موسیقی را «ربط» از آن جهت نام داده اند که شبیه بسینه بط است در صورتیکه مراجعه بهر کتاب لغت فرنگی باسانی آشکار میدارد که اصل این کلمه بارییطوس (Barbitos) یونانی است و بعد بشکل بارییطون (Barbiton) در زبانهای فرنگی معمول گردیده است.

(۲) ستار که بفرنگی «سیتار» (از یونانی «کبتاره») میگویند آلتی است شبیه بطنبور و ربطی به «سه تار» که امروز در ایران معمول است ندارد.

- ۱۹- چو بر مشکوبه کردی «مشک مالی» همه مشکو شدی پر مشک خالی
- ۲۰- چو بر «مر وای نیک» انداختی بال همه نیکی بدی مروای آن فال
- ۲۱- هر آن شب کو گرفتی راه «شب دیز» شدندی جمله آفاق شبخیز
- ۲۲- چو «نوش باده» را در پرده بستی خمار باده نوشین شکستی (۱)
- ۲۳- چو درستان در «شب فرخ» کشیدی از آن فرخنده تر شب کس ندیدی
- ۲۴- چو زرد ز «آرایش خورشید» راهی در آرایش بدی خورشید ماهی
- ۲۵- چو کفتی «نیمروز» مجلس افروز خرد بیخود شدی تا نیمه روز
- ۲۶- چو بانگ «سبزه در سبزه» شنیدی ز باغ سبز سبزه بر دمیدی
- ۲۷- چو «قفل رومی» آوردی ز آهنک گشادی قفل گنج از روم و از زنگ
- ۲۸- چو بردستان «سروستان» گذشتی صبا سالی بسروستان نکشتی
- ۲۹- چو بر «سرو سهی» بنواختی ساز سهی سروش خطی دادی بخون باز
- ۳۰- چو کردی «رامش جان» را روانه زرامش جان فدا کردی زمانه
- ۳۱- چو «نوشین باده» را در جام بستی خمار باده نوشین شکستی
- ۳۲- چو بازش رای «فرخ روز» گشتی زمانه فرخ و فیروز گشتی
- ۳۳- چو کردی «غنچه کبک» دری نیز پردی غنچ کبکان دلاویز
- ۳۴- چو بر «نخچیرگان» تدبیر کردی بسی چون زهره را نخچیر کردی
- ۳۵- چو زخمه راندی از «کین سیاوش» پر از خون سداوشان شدی گوش
- ۳۶- چو کردی «کین ایرج» را سر آغاز جهان را کین ایرج نوشدی باز

(۱) این بیت در طی قطعه بشکل دیگری آمده و برای معلوم ساختن شکل حقیقی آن باید بنسخه های دیگری از «خمس نظامی» مراجعه نمود. نسخه ای که مأخذ این مقاله است در طهران در سنه ۱۳۱۶ هجری قمری در کارخانه دولتی بطبع رسیده و دارای اغلاط بسیار است و حتی راقم این سطور بعدس خود بعضی اغلاطی را که در قطعه منقول موجود بود تصحیح نموده است و از آنجمله است مثلا «غنچه کبک دری» بجای «غنچه کبک دری» در بیت ۳۳ و «تار نوروز» بجای «ساز نوروز» در بیت ۱۷ و اغلاط دیگر از همین قبیل.

- ۳۷- چوبر « کیخسروی » آواز دادی
- بکیخسرو روان را باز دادی
- ۳۸- چو کردی « باغ شیرین » را شکر بار
- درخت ناز را شیرین شدی بار
- ۳۹- نوا هائی بدینسان رامش انگیز
- همی زد باربد در پرده تیز

در ابیات بالا نام سی و يك آواز آورده شده است (۱) از اینقرار :

- ۱- کنج باد آور - ۲- کنج ساخته - ۳- کنج گاو - ۴- شاد روان مروارید
- ۵- تخت طاقدیسی - ۶- ناقوس - ۷- اورنگی - ۸- حقه کاوس - ۹- ماه بر کوهان
- ۱۰- مشك دانه - ۱۱- ساز نوروز - ۱۲- مهرگانی - ۱۳- مشك مالی - ۱۴- مروای
- نیک (۲) - ۱۵- شبدیز - ۱۶- شب فرخ - ۱۷- آرایش خورشید - ۱۸- نیمروز
- ۱۹- سبزه در سبزه - ۲۰- قفل رومی - ۲۱- سروستان - ۲۲- سرو سهی -
- ۲۳- رامش جان - ۲۴- نوشین باده - ۲۵- روز فرخ - ۲۶- غنچه کبک دری -
- ۲۷- نخچیرگانی - ۲۸- کین سیاوش - ۲۹- کین ایرج - ۳۰- کیخسروی -
- ۳۱- باغ شیرین .

سی لحن باربد در ابیات فارسی مشهور است . در « برهان قاطع » ابن سی لحن بهمین نامها مذکور آمده جز آنکه اولاً بجای سی و يك لحن فقط سی لحن و ثانیاً بجای لحنهای شماره ۱۱ (ساز نوروز) و شماره ۲۵ (روز فرخ) و شماره ۲۶ (غنچه کبک دری) و شماره ۳۰ (کیخسروی) سه لحن بنام دیگر آمده از اینقرار :

۱- آئین جمشید ۲- راح و روح ۳- نو بهاری و ضمناً صاحب فرهنگ نامبرده تذکر داده است که لحن « آرایش خورشید » را « آرایش جهان » و لحن « رامش جان » را « رامش جهان » و « کنج گاو » را « کنج کاوس » و لحن « مهرگانی » را « مهرمانی » هم گفته اند .

(۱) گر چه نظامی در ابتدای همین قطعه اشاره بسی آواز نموده در آنجا که گفته است « ز صد دستان که او را بود دمساز گزیده کرد سی لحن خوش آواز » .

(۲) مروا بر وزن خرما بمعنی فال نیک است .

از قرار معلوم شماره آوازها در قدیم یعنی در عهد ساسانیان و اوایل ظهور اسلام در ایران خیلی بیشتر از آنها بوده است و مرحوم محمدعلی تربیت که اخیراً دنیای فانی را وداع گفته و بجهان بقا رخت کشید بزحمت بسیار نام مقدار زیادی از این الحان و آوازها را جمع آوری نموده و قسمتی از آنها در ضمن مقاله ای در روزنامه «کاو» منطبعه برلن منتشر ساخت و قسمت دیگری را که کاملتر بود در مجله دیگری بطبع رسانید تعیین آن برای نگارنده مقدور نیست.

